



﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱
یکی از پرسش‌های اساسی در ذهن و ضمیر مؤمنین این است که ذکر صلوات برای چیست؟ این ذکر برای ذاکر صلوات و مذکورین آن، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت طاهره‌اش علیهم السلام چه سودی دارد؟ به راستی فلسفه صلوات چیست و چه رازهایی در این ذکر نهفته است؟ در این نوشتار، تنها از ساحت اخلاقی - عرفانی یا معنویت به پاسخ این پرسش می‌پردازیم تا دریابیم که ثمرات سلوکی - عرفانی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل پیامبر علیهم السلام چیست. اما پیش از آن، تذکر چند نکته کلیدی ضروری است.

نکته اول

عالم و آدم به طفیل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عترت طاهره‌اش علیهم السلام از کثم عدم به عرصه وجود آمدند و حدوث و بقای هستی و عوالم وجود، به آن حقایق نوری و ذوات مقدسه است؛ چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ﴿يَا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ﴾^۲ ای علی، اگر ما (پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام) نبودیم، خداوند آدم، حواء، بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کرد. چنان که علی علیه السلام وجود حجت الهی را در قالب حجت ظاهر یا باطن، یک ضرورت در دایره وجود بیان فرموده^۳ و در حدیث شریف: ﴿لَوْلَا الْحِجَّةُ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا﴾^۴ نیز دوام و بقای عالم و آدم به حجج بالغه حق و وجود انسان کامل است. اگر امام که حجت زمان است، در میان نباشد، زمین، اهلیش را فرومی‌بلعد.

نکته دوم

چنان که انسان در قوس نزول و تجلی، مرهون و طفیل حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله است، در قوس صعود و ترقی وجودی و استکمال نفس ناطقه نیز مدیون عنایت، هدایت و حمایت حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله است و سالک کوی کمال، قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر آن که در هر قدم سلوکی‌اش محتاج ارشاد و اشارت و فیض و فضل انسان کامل معصوم صلی الله علیه و آله است

اسرار و آثار صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل پیامبر علیهم السلام

محمد جواد رودگر

و منهای آنان قدرت قدم نهادن در وادی عرفان و معنویت راستین و کارآمد را ندارد. به تعبیر علی علیه السلام: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلْمَاءِ وَ تَسَنَّمْتُمْ ذُرْوَةَ الْعَلْيَاءِ وَ بِنَا أَفْجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ»^۴؛ به وسیله ما در تاریکی‌ها (جهل و گمراهی) هدایت یافتید و به کمک ما به اوج ترقی رسیدید و در پرتو شعاع ما (خاندان پیامبر) صبح سعادت شما درخشیدن گرفت.

• سالک کوی کمال، قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر آن‌که در هر قدم سلوکی‌اش محتاج ارشاد و اشارت و فیض و فضل انسان کامل معصوم علیه السلام است و منهای آنان قدرت قدم نهادن در وادی عرفان و معنویت راستین و کارآمد را ندارد.

نکته سوم

سیر و سلوک الی الله تنها در پرتو «رابطه وجودی» با حضرات معصومین علیهم السلام که بالاتر و والاتر از رابطه عاطفی، عقلی و عرفانی است ممکن خواهد بود و این رابطه، فرع بر این دو عنصر است: ۱. شناخت مقام و منزلت انسان کامل معصوم علیه السلام؛ ۲. عشق به آنان؛ آن هم معرفت صائب و عشق صادق که منتهی به «عمل صالح» خواهد شد. در این صورت، رابطه وجودی با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و آل پاکش علیهم السلام تحقق می‌یابد؛ لذا فرمود: «بِنَا عَرَفَ اللهُ وَ بِنَا عَبَدَ اللهُ لَوْلَا مَا عَرَفَ اللهُ»^۵؛ به سبب ما خداوند شناخته می‌شود و به سبب ما خداوند پرستش می‌شود؛ اگر ما نبودیم، خداوند شناخته نمی‌شد. به واسطه آنان معرفت به خدا و عبودیت الهی که مؤلفه‌های اصیل سیر و سلوک راستین است، صورت عینی می‌یابد. در جای دیگر می‌فرمایند: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۶؛ برای هر چیز بنیان و پایه‌ای است و بنیان اسلام، دوستی ما اهل بیت است. به تعبیر علامه جوادی آملی:

غایت حرکت حبیبی خداوند، همانا پیدایش انسان کاملی است که حبیب اوست و رسالت حبیب خدا ترسیم هندسه محبت است: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»^۷؛ لذا مزد پیامبری خویش را به دستور محبوب جهان هستی، دوستی عترت طاهرین خود قرار داد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۸ و سرّ انتفاع محبان از مودت اهل بیت عصمت علیهم السلام آن است که امامت، صراط مستقیم و سبیل سوی خداست و تولی آنان همانا

تطرق راه مستقیم الهی است.^۹

نکته چهارم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که تجلی اسم اعظم است و عترت طاهره‌اش علیهم السلام که حجت‌های الهی و خلفاء الله هستند، واسطه فیض‌اند و انسان متکامل در سیر تکاملی‌اش از قوه و استعداد به فعلیت و کمال، همواره نیازمند «فیض ربوی» از رهگذر فیض رحیمیه هست و چنین فیضی با ایمان به آنان، آن هم ایمان به محتوای معرفتی و قرار گرفتن در جاذبه وجودی و انوار قدسی ایشان شامل حال سالکان الهی خواهد شد. به تعبیر عارف الهی و عالم ربانی مرحوم میرزا جواد آقا تبریزی:

ای عزیز! سالک باید در همه اوقات در باطنش حال توسلی به حضرت وجه الله، خلیفه الله، نور الله الانوار و ضیائه الأزهر و حجت‌الاعظم، وجود مبارک خاتم الاوصیاء، امام زمان (عج) و انتظار ظهور نور مبارک و ایام سلطنت آن بزرگوار - ارواح العالمین فداه - را داشته [و] در تعقیب نمازهای پنج‌گانه مداومت به ذکر «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ...»^{۱۰} داشته باشد و قرائت سه مرتبه سوره مبارکه توحید به نیابت از حضرت و «دعای عهد» هر صباح ترک‌نماید.^{۱۱}

علامه طباطبایی (ره) نیز ائمه علیهم السلام را مجاری فیض از ناحیه حق به مخلوقات می‌داند.^{۱۲} بنابراین، تجلی رحمت خاصه الهیه و عنایات ربوی، تنها در سایه‌سار شجره طیبه توجه و عنایت پیامبر و عترت طاهره‌اش علیهم السلام ممکن خواهد بود.

نکته پنجم

در سیر و سلوکش محتاج «راهنما» و «راهبر» است؛ راهبری که «هدایت به امر» نماید و در همه ساحت‌های وجودی سالک تصرف کند و از باطن وجودش او را هدایت کند و به منزل مقصود برساند. به تعبیر دیگر: سالک به پیر راه، شیخ طریق، استاد حقیقی که همانا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام هستند، نیازمند است. به تعبیر حافظ شیرازی:

دلَم جز مِهْر مَه‌رویان طریقی بر نمی‌گیرد

ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد

خدا را ای نصیحت‌گو حدیث ساغر و می‌گو

که نقشی در خیال ما از این خوش‌تر نمی‌گیرد

اینک با توجه به این پنج نکته، به اجمال به طرح، تحلیل و تبیین اجمالی رازها



اوصاف آنان و متخلق به اخلاقشان شده و سنخ و جنس وجودش را سنخ و جنس آنان قرار دهد تا آینه‌ای برای نمایش و ظهور ایشان گردد و رنگ و بوی آنها را در

و فلسفه صلوات می‌پردازیم که عموماً برگرفته از آموزه‌های وحیانی، اعم از روایات و احادیث خواهد بود و پشتوانه تفسیری و حکمی - عرفانی دارد.

۱. نورانیت دل

ذکر صلوات بر پیامبر و عترت پاکش ﷺ که همه انوار الهی و قدسی‌اند، موجب نورانیت انسان، هم نورانیت عقلی و قلبی و هم نورانیت در ذهن و ذات و ضمیر می‌شود؛ چه این که «ذکر نور» زاینده و آفریننده نور است و بر نورانیت وجود انسان می‌افزاید. ذکر صلوات حجاب‌های تاریک و تاریک‌آفرین را می‌زداید و دل را نورانی می‌کند؛ چنان که خروج از ظلمت و ورود نور در رسیدن به اسم «سلام» از آثار صلوات شمرده شده است: ﴿هُوَ الَّذِي يَصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا * تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا﴾^{۱۳}؛ او کسی است که بر شما درود و رحمت می‌فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می‌کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد و نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است. تحیت آنان در روزی که او را دیدار می‌کنند سلام است و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است.

۲. افزایش عشق و محبت

هرچه ارتباط باطنی و درونی سالک با پیامبر ﷺ و عترتش ﷺ بیشتر و شدیدتر باشد و به وسیله ذکر صلوات، انس و الفت با آنها یابد، عشق او نسبت به ایشان بیشتر و محبتش شدیدتر خواهد شد و این عشق سازنده، سوزنده و گدازنده است و سالک را هرچه بیشتر به محبوبانش که محبوب خدا هستند، نزدیک می‌گرداند.

۳. سنخیت وجودی

سالک هرچه بیشتر با انسان‌های کامل الهی محشور باشد و متذکر به ذکر آنان گردد، تلاش می‌کند تا تشابه وجودی از حیث اخلاق و فضایل اخلاقی و ارزش‌های وجودی به آنان یابد و هم‌شکل آنان گردد.

سالک با ذکر صلوات، تنها ذکر زبانی ندارد، بلکه ذکر قلبی نیز دارد و ذکر قلبی و زبانی‌اش را به وسیله سنخیت یافتن با آنان، تبدیل به ذکر عینی و عملی می‌کند. او می‌کوشد تا رنگ و بوی آنها را بگیرد و هرچه بیشتر شبیه آنها شود و تخلق به اخلاق آنان یابد. اساساً یکی از رازهای ذکر صلوات همین است که ذاکر متصف به



خود ساطع نماید تا با دیدن سالکان محمدی علیهم السلام رنگ و بوی آنان و آل پاکش علیهم السلام دیده و استشمام گردد.^{۱۴}

۴. الگوپذیری از انسان کامل معصوم علیه السلام

یکی از فلسفه‌های ذکر صلوات، الگوشناسی و الگوپذیری از آنان هست؛ زیرا آنها که شایسته صلوات خدا و فرشتگان و مؤمنان شدند، به این دلیل بود که از هر حیث کاملند و اسوه حسنه برای انسان‌ها در صراط سعادت و سبیل هدایت و رشد و کمالند؛ لذا قول، فعل و تقریر آنها یا مجموعه سنت و سیرت‌شان حجت است و قابلیت تبعیت و تأسی یا الگوگیری دارند و سالک در تنظیم رابطه‌های چهارگانه‌اش، یعنی رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با جامعه و رابطه با جهان به آنها نگریسته و قول و فعل آنها را نصب العین قرار می‌دهد تا بر مدار و معیار آنها عمل کند. بنابراین، منطق درست اندیشیدن، درست عمل کردن در همه زمینه‌ها و رابطه‌های یاد شده و ترازوی سنجش و صحت و صدق آنانند.

۵. اطاعت‌پذیری و تبعیت از پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت طاهره‌اش علیهم السلام

چنان‌که در روایت آمده است «صلوا» امر به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و «سلموا» به معنای تسلیم در برابر فرمان‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.^{۱۵} ابوبصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: منظور از «صلوات» بر پیامبر صلی الله علیه و آله را فهمیدم، اما معنای تسلیم بر او چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «هو التسليم له في الامور»؛ تسلیم بودن در برابر او در هر کار.^{۱۶} پس درود و سلام فرستادن بر پیامبر و عترت پاکش اعلام ایمان به آنها و تبعیت از آنها و اطاعت از بایدها و نبایدهای آنهاست؛ زیرا اطاعت از آنان راز تکامل و سر سلوک راستین در جهت قرب و لقای الهی است.

۶. گناه‌زدایی از صحنه دل

در روایت آمده است: یکی از آثار و رازهای ذکر صلوات، زدایش گناه و آثار گناه که تاریکی، قساوت، اطاعت‌ناپذیری از خدا و رسولش صلی الله علیه و آله می‌باشد است؛ امام رضا علیه السلام فرمود: «من لم يقدر على ما يكفر به ذنوبه فليكثر من الصلاة على محمد و آل محمد فأنها تهدم الذنوب هدماً»؛^{۱۷} کسی که توان جبران گناهانش را ندارد، زیاد بر محمد و اهل بیتش علیهم السلام درود و صلوات فرستد؛ چرا که صلوات، گناهان را به کلی منهدم می‌کند و از بین می‌برد.

آری، انسان آلوده به گناه با صلوات پالوده شده و پیراسته از گناه می‌شود تا زمینه‌های سیر و سلوک کارآمد و رشد و توسعه اخلاقی و ایمانی در او فراهم شود و تمهید مقدمه سلوک عرفانی تا مرز شهود حق گردد؛ زیرا انسان پاک و نورانی، شایسته دیدار جمال الهی و «نور السموات و الارض» خواهد شد و یکی از تأثیرات ذکر صلوات، بسترسازی و

مقدمه‌چینی برای رسیدن به کمال واقعی و عرفان حقیقی است.

۷. نفاق ستیزی تا نفاق زدایی

یکی از رازهای ذکر صلوات، رهایی از نفاق درونی و شخصیتی و تضادهای وجودی است؛ رهایی از نفاق بین قلب و زبان، اعتقاد و عمل و فکر و فعل، تا انسان از هر کژی و عوجاجی نجات یابد و کدورت‌های قلبی‌اش از بین برود؛ لذا در احادیث آمده است که ذکر صلوات را بلند بگویید تا نفاق از میان شما زدوده شود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ﴿ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ﴾؛^{۱۸} صدای تان را هنگام صلوات بر من بالا ببرید؛ زیرا صلوات بلند، نفاق را از بین می‌برد.

۸. همراهی واقعی با معصومان ﷺ

از فلسفه‌های ذکر صلوات، همراهی با معصومان ﷺ و حشر و نشر واقعی با ایشان است؛ همراهی فکری و اخلاقی و حشر ماوراءالطبیعی؛ زیرا تا زمانی که انسان با آنان همراه، هم‌زبان و همدل و هم‌رأی نشود، نمی‌تواند از آنها بهره‌گیرد و فیض ببرد و نمی‌تواند آنها را سرمشق زندگی‌اش قرار دهد؛ لذا صلوات یعنی اعلام همراهی با آنان و پیروی از ایشان. یعنی اعتقاد، اخلاق و اعمال خویش را با منطق اعتقادی، اخلاقی و عملی آنان تطبیق دهیم. یعنی اعلام کنیم که شما معیار و میزان هستیید و ما باید که خود را به شما نزدیک کنیم و انحراف‌ها و انحطاط‌های فکری و اخلاقی و عملی خویش را از بین برده و خطاهای خود را اصلاح کنیم. شما نشانه‌های راه خدا و عین صراط مستقیم حق هستید و تنها با شما بودن، با شما ماندن، با شما مردن و زنده شدن، عین کمال و سعادت و راز حیات جاودانی هست؛ پس در بودن با شما خود را بیمه می‌کنیم و رسیدن به کمال را تنها با شما تجربه خواهیم کرد. کسب اخلاق کریمه، عبودیت و بندگی عارفانه و عاشقانه، معنویت و روحانیت و چشیدن لذت با خدا بودن، تنها در همراه بودن با شما رقم می‌خورد. پس این همراهی حقیقی نه مجازی، اصیل نه اعتباری، جوهری نه عرضی، ماوراءالطبیعی نه طبیعی خواهد بود. بسیار بودند کسانی که حشر و نشر ظاهری با شما داشتند، اما با شما نبودند و اعتقاد، اخلاق و اعمالشان مخالف شما بود و بودند کسانی که با شما حشر و نشر ظاهری نداشتند، لکن در حقیقت با شما بودند و عقل و دلشان در بند محبت شما بود و رفتارشان نشان از شما داشت.

آری، انسان در حشر و نشر حقیقی با معصومان ﷺ چنان قابلیت و ظرفیتی پیدا

می‌کند که همچون سلمان فارسی ﴿مِنَّا اهل البيت﴾ می‌شود، و البته مراتب وجودی هر کس محفوظ است؛ چنان‌که علامه حسن‌زاده آملی در شرح حدیث نبوی و توسعه «آل» در ﴿کل تقی و نقی آل﴾^{۱۹} می‌فرمایند:

شما تقی و نقی باشید که صلوات همگان شب و روز عاید شما بشود که ﴿اللهم صل علی محمد و آل محمد﴾ و ﴿آل﴾ را مراتبی است؛ از آن آلی که عترتند تا برسد به آن آلی که خوشه‌چین خرمن آن بزرگان هستند. غرض آن‌که باید آل و اهل او بود. باید این انتساب محفوظ باشد، و الا تا نفس پاک نشده باشد، انسان به جایی نمی‌رسد.^{۲۰}

۹. عامل استجاب دعا

یکی از اسرار ذکر صلوات عامل استجاب بودن آن است؛ زیرا آنان نزد خداوند جایگاهی رفیع دارند و تنها در پرتو توجه آنان است که ادعیه به هدف اجابت می‌رسد. به تعبیری: قابلیت در طرف پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت ایشان ﷺ تمام است و فاعلیت نیز در خداوند متعال کامل؛ لذا اجابت دعا حتمی خواهد بود و خداوند متعال اجل و اکرم از آن است که میان دو سؤال، یکی را مقرون به اجابت و دیگری را مردود فرماید.^{۲۱}

۱۰. اعتراف به شرافت و اشرفیت پیامبر اکرم ﷺ و عترت طاهره‌اش ﷺ

یکی از فلسفه‌های ذکر صلوات این است که ذاکر اعتراف می‌کند که اشرف مخلوقات و اکمل موجودات، پیامبر اکرم ﷺ و آل پاکش ﷺ هستند و بلکه شرافت و کمال موجودات دیگر، به تبعیت و طفیل آنهاست و خورشید خلقت آنان هستند و به نور آنها موجودات دیگر، نور وجود و کمال وجودی یافته‌اند. از سوی دیگر درود خدا بر پیامبر ﷺ و عترت پاکش ﷺ نشانه اشرفیت وجودی آنها و درود ملائکه بر آنان نیز آیتی است بر این‌که ملائکه خدا نیز خادم آنها‌یند و متعلم به تعالیم آنها و چیزی از خود ندارند و مؤمنین نیز در ذکر صلوات، ضمن بیان چنین مقام و منزلت ویژه‌ای، در صدند تا به تکمیل وجود خویش پرداخته و اعلام دارند که هر کس در جست‌وجوی کمال است، باید تنها دست به دامان آن ذوات عرشی و انسان‌های قدسی و آسمانی شود که آنان حجت‌های خدا در زمین و وسائط فیض الهی در نظام تکوین و تشریح هستند.^{۲۲}

۱۳. طرح و تبیین نظریه قرآن و عترت و جدایی‌ناپذیری ثقلین

با ذکر صلوات اعلام می‌کنیم که جهان‌بینی و ایدئولوژی ما رنگ و رایحه قرآن و

عترت دارد و ما صراط مستقیم را تنها در آئینه قرآن و عترت محمد ﷺ می بینیم و غیر آن را انحراف و اعوجاج می دانیم. ذکر صلوات، «نقد علمی» تئوری ﴿حسبنا کتاب الله﴾ و جدایی قرآن و عترت است.

۱۴. عافیت در دین و دنیا و آخرت

یکی از رازهای ذکر صلوات رسیدن به عافیت است؛ چنان که پیامبر ﷺ فرمود: ﴿مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابٌ مِنَ الْعَافِيَةِ﴾ و چه چیزی مهم تر از عافیت است؟ عافیت عقلی، قلبی، عافیت در دین داری، عافیت در ناحیه بینش ها و گرایش های متعالی، و به راستی که عافیت و عاقبت به خیری تنها در بودن و ماندن با پیامبر اعظم ﷺ و عترت طاهره اش ﷺ خواهد بود.

آثار و برکات صلوات

ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ و آل پیامبر ﷺ انسان زمینی و ملکی را آسمانی و ملکوتی می کند و ظرفیت و قابلیت سالک اهل معرفت را توسعه می دهد تا حقایق غیبی و لمعات الهی را درک و دریافت نماید؛ لذا به برخی از آثار معرفتی، فکری، روحی و عرفانی و شهودی صلوات اشاراتی به اختصار خواهیم داشت.

۱. عرفان و ایقان به مقام و منزلت پیامبر ﷺ و آل پاکش ﷺ

اگرچه ذکر صلوات معرفت اجمالی و یقین اولی می طلبد - چه این که انسان تا به مقام و مرتبه وجودی آن ذوات قدسی آگاهی و گواهی اولیه و اجمالی نداشته باشد و آمادگی روحی نیابد، توفیق و استعداد ذکر صلوات را نخواهد یافت - لکن خود ذکر صلوات باب معرفت و یقین تفصیلی را به روی ذاکر می گشاید و به تدریج بر عرفان و ایقان او می افزاید؛ یعنی عامل بارش فکری و زایش معرفتی خواهد شد و هرچه پیوند شناخت و ذکر صلوات بیشتر شود، شناخت، ژرفای و وسعت بیشتری می یابد و چه بسا ذکر یاد شده، او را به درجات بسیار بالای عرفان علمی و عملی نائل و واصل گرداند و علم نوری و لدنی و افاضی شامل حالش گردد.

۲. محرم اسرار آل الله شدن

یکی از آثار وجودی ذکر صلوات، مبتنی بر معرفت و یقین به «محرمت» است. ذاکر آرام آرام از بیگانه بودن، به یگانه شدن و از نامحرم بودن، به محرم شدن با خاندان

عصمت و طهارت می رسد و هرچه استعداد بالقوه و بالفعل او برای دریافت و تلقی حقایق معرفتی بیشتر گردد، از علوم اهل بیت ﷺ و اسرار آفرینش و رازهای شریعت محمدی ﷺ بیشتر مطلع می گردد و ذکر صلوات او را به رنگ و سیاق خاندان نبوت و نور درآورده و مستعد دریافت معارف ظاهری و باطنی و علوم نبوی و ولوی می نماید.

سالک کوی حق، چونان سلمان فارسی، ابوذر غفاری، کمیل بن زیاد نخعی، میثم تمار، رشید هجری و ... محرم دل و جان انسان های کامل معصوم ﷺ خواهد شد و قدرت سؤال از حقایق و رمز و رازهای هستی را از آنان یافته و پاسخ های آسمانی و جواب های عرشی و فوق عرشی دریافت می کند و خود، صاحب سر و اهل راز می گردد، یا به بیان دیگر: رازشناس رازدار و صاحب اسرار مگو می شود و این مقام در اثر محرم شدن به واسطه ذکر صلوات آگاهانه و مؤمنانه حاصل شدنی است.^{۲۳}

• ذکر صلوات انسان را پاک و منزّه می کند و دوام ذکر صلوات اگر قرین معرفت و محبت به پیامبر ﷺ و آل پاکش ﷺ باشد، آدمی را از هر پلیدی و پستی تطهیر می کند و زنگارها را از آئینه دل پاک می نماید و حجابها را برمی دارد.

۳. تصعید و رفعت مقامی و مکانتی

سالک، سیر عمودی داشته و به عکس سیر اول، در «منازل» سیر و سلوک می کند؛ یعنی از عالم ماده به عالم مثال و آن گاه عالم عقل در حال شدن است و قوس صعود را می پیماید؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾^{۲۴} در پرتو ایمان و عمل صالح، عقیده، اخلاق و عمل طیب، قدرت تصعید و رفعت می یابد و از مقامی به مقام دیگر و از مکانتی به مکانت دیگر عروج و صعود دارد و نیروی متراکم تصعید و رفتن در عوالم سیر و سلوک، همانا ذکر صلوات است؛ زیرا تنها به برکت عنایت خاندان عصمت ﷺ و باور به ولایت مطلقه آنهاست که توانمندی لازم برای عروج را یافته و حجابها را یکی پس از دیگری پاره کرده و به مافوق ملکوت، یعنی جبروت راه می یابد.

نیک می دانیم که ایمان واقعی و عقیده حقیقی تنها با ولایت عترت پیامبر ﷺ معنا و

مبنا می‌یابد و کلمه طیبه و عمل صالح دارای روحی است که «ولایت» است؛ چنان که در برخی روایات «الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ» به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر شده ^{۲۵} و در تفسیر آیه شریفه: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» ^{۲۶} کلمه «طیبه» به مؤمن و در تفسیر شجره طیبه «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» آمده است: «رسول الله اصلها و امیرالمؤمنین فرعها، و الائمه من ذریتها اغصانها و علم الائمه ثمرها و شیعتهم المؤمنین ورقها...»؛ یعنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ریشه، علی علیه‌السلام شاخه، امامان علیهم‌السلام شاخه‌های کوچک‌تر، علم امامان میوه و پیروان باایمان آنها برگ‌های این درخت هستند. ^{۲۷} بنابراین، تصعید تکاملی و رفعت وجودی سالک حقیقی، تنها در سایه شجره طیبه صلوات، به معنای لفظی و معنوی، ظاهری و باطنی و مجازی و حقیقی آن تحقق‌پذیر است.

۴. طهارت و نزاهت و جود

انسان شائق کمال و مشتاق وصال، بایسته و شایسته است که طهارت تکوینی و نزهت فطری‌اش را صیانت و مراقبت نماید و از هر خبث و دنس و رجز و پلیدی پاک و منزّه باشد؛ چنان که ابن‌سینا در نمط هشتم «اشارات» گفته است:

«و العارفون المنتزهون اذا وضع عنهم درن مقارنة البدن وانفكوا و انتقشوا بالكمال الاعلى و حصلت لهم اللذة العليا و قد عرفتها» ^{۲۸}

عارف کسی است که از هر آلودگی پالوده باشد و شواغل و موانع‌زدایی کرده باشد تا قدرت پرواز به سوی قدس و سعادت یافته و به سوی کمال برتر و بزرگ رفته و به عظیم‌ترین لذت دست یابد.

به تعبیر علامه حسن‌زاده آملی:

طبق مشرب شیخ‌الرئیس «عارف» در این‌جا به معنای کامل در قوه نظری و مجتهد در علوم عقلی است و «منتزه» به معنای کامل در قوه عملی است. از این «عارف منتزه» تعبیر به «فیلسوف کامل» می‌کنند؛ یعنی کسی که در قوه نظری و عملی، به فعلیت رسیده است. این عارف منتزه که در این دو قوه به کمال رسیده است، امام است؛ آن امام معصوم که ما شیعیان می‌گوییم و دیگران در مسیر او و به تبع و پیرو اویند. یکی از حرف‌های شریف شیخ این است که باید در این نظام کیهانی، انسان کامل متکون بشود و آن انسان کامل میوه شجره وجود است و دیگران به تبع و پیرو اویند. ^{۲۹}

بنابراین انسان سالک کوی کمال مطلق لازم است که در صدد تنزیه و تزکیه نفس برآید

و طهارت ظاهری و باطنی یابد تا سنخیت وجودی با آن پاکان مطلق که مصداق اتم و اکمل «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» ^{۳۰} هستند، بیابد؛ چنان که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «دَمٌ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسِّعُ عَلَيْكَ الرِّزْقَ» ^{۳۱} پیوسته با طهارت باش تا رزق و روزی تو زیاد شود. این رزق در درجه اول، رزق معانی، معارف و حقایق و قرب الهی است که یکی از آنها اعتلای فهم خطاب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و شناخت و شهود حقایق قرآنی و معالم نبوی، علوی و ولوی است و به تعبیر اصحاب اخلاق و عرفان: تجلیه، تخلیه و تحلیه می‌طلبد تا انسان به مقام فناء، آن هم فنای فعلی، صفاتی و ذاتی برسد ^{۳۲} و لذت دیدار دوست و شهد شهود حق سبحانه و لقای رب را بچشد.

ذکر صلوات انسان را پاک و منزّه می‌کند و دوام ذکر صلوات اگر قرین معرفت و محبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل پاکش علیهم‌السلام باشد، آدمی را از هر پلیدی و پستی تطهیر می‌کند و زنگارها را از آئینه دل پاک می‌نماید و حجاب‌ها را برمی‌دارد. پس سالک به تزکیه نفس؛ مراقبت نفس؛ مداومت و استقامت در طهارت روح و مراقبت‌های وجودی نیاز دارد تا از همه قید و بندها و حجاب بدن و گناه و موانع و شواغل خلاصی یافته و از هر تعلق و تعینی رهایی یابد تا در همین جهان، غرق در معارف ربوبی و لذت معنوی، عقلانی و عرفانی شود. ^{۳۳}

آری، مؤمن حقیقی و شیعه خالص در اثر یاد و نام و خاطره‌های تلخ و شیرین آل الله تطهیر شده و در چشمه‌سار زلال انس و الفت و ذکر آن ذوات نورانی و عرشی، خویش را شست‌وشو داده و طهارت جسم و جان و نزهت عقل و دل می‌یابد تا محرم اسرار آنها شده و هم‌جنس و هم‌سنخ آنان گردد و در اثر سنخیت همه‌جانبه که معلول طهارت همه‌جانبه و نزهت و نزاکت همه‌جانبه است، درک کمال نماید و حلاوت معارف اسلامی را چشیده و دقایق معانی دینی و ظرایف معارف وحیانی را با عقل لطیف و قلب سلیم دریافت نماید و عالم ربانی گردد و فقیه و عارف از دنیا برود.

۵. بیداری و بصیرت

سالک کوی دوست همواره نیازمند «بیداری» و محتاج «بصیرت» است تا هرگز راه را گم نکند و نشانه‌های کمال حقیقی را از دست ندهد و گرفتار فتنه‌های سیر و سلوکی و فتنه‌گران و راهزنان کوی حق نشود؛ چه این‌که راه عرفان خطیر و خطر خیز است و شیطان در کمین مؤمنان راستین و هدایت‌یافتگان و اهل رشد و رستگاری است که صراط مستقیم الهی را می‌پیمایند، تا آنها را به کمند خویش درآورد و از راه به بیراهه بکشاند و چنان گرفتار وسوسه‌های درونی و بیرونی، تزئین عمل و تسویل نفس گرداند

که قدرت تشخیص راه را از بیراهه نداشته و اسیر جاه و افتاده در چاه شوند و وجهه خویش را از دست بدهند؛ که همه انسان‌های اهل راه تا مخلصین، در خطرند، مگر آن که به مقام مخلصین برسند.

یکی از آثار ذکر صلوات همیشه به یاد و نام آل الله بودن و تنبّه و توجه به صراط آنهاست که ﴿صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه ثم علی من بعدی ثم ولدی من صلبه ائمة یتهدون بالحق و به یعدلون﴾^{۳۴} و به تعبیر استاد جوادی آملی: «آغاز و انجام صراط مستقیم، خدای سبحان است»^{۳۵}؛ بنابراین تنها در پرتو ولایت پیامبر و عترت پاکش علیهم‌السلام بیداری واقعی و بصیرت‌افزایی برای عبور سالم و سازنده از صراط مستقیم الهی ممکن خواهد بود. سالک منهای ولایت، در دام ختاسان و سواس‌گر انسی و جتنی گرفتار شده و هلاک می‌شود؛ اما ذکر صلوات، نیروی دائمی و هشیاری مستمر و متناسب با منازل و مراحل سلوکی است و انسانی که دائماً به یاد مظاهر عینی و مصادیق حقیقی صراط مستقیم باشد که یاد آنها یاد خداست، بر اساس آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^{۳۶} از شیاطین انسی و جتنی و درونی و برونی نجات می‌یابد. علامه حسن‌زاده آملی چه زیبا سروده‌اند:

من این دنیای فانی را نمی‌خواهم نمی‌خواهم
من این لذات آنی را نمی‌خواهم نمی‌خواهم
به جز محبوب یکتایم نمی‌دانم نمی‌دانم
به جز آن یار جانی را نمی‌خواهم نمی‌خواهم
به جز راه وصالش را نمی‌پویم نمی‌پویم
به جز سبع‌المثانی را نمی‌خواهم نمی‌خواهم
علی و آل پاکش را پذیرفتم پذیرفتم
فلانی و فلانی را نمی‌خواهم نمی‌خواهم^{۳۷}

ذکر صلوات بیدار کننده و بصیرت‌زاست؛ پس آن را دریافته و بر آن مداومت و استقامت کنیم که نشانه مؤمن ولایی و علامت اسلام راستین و پرچم سلوک در صراط مستقیم است. اینک پیش از نتیجه‌گیری از بحث، دو حدیث پیرامون اهمیت و منزلت ذکر صلوات و آثار و اسراری که برجای می‌گذارد، ذکر می‌کنیم:

الف) عن ابن ابی حمزه عن ابیه قال: سألت ابا عبدالله عن قول الله عزوجل: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ فقال: الصلاة من الله عزوجل ورحمة و الملائكة تزكية و من الناس دعاء و اما قوله عزوجل ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

یعنی التسلیم له فیما ورد عنه تسلیم شریعت حقه محمدیه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم^{۳۸}؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود: معنای صلوات از جانب حق تعالی به معنای نزول رحمت، از سوی فرشتگان به معنای ستایش و تمجید و از سوی انسان‌ها به معنای دعا است. اما معنای «و سلموا تسلیماً» یعنی تسلیم بودن در برابر پیشوای اسلام نسبت به آنچه از او رسیده است.

ب) عبدالعظیم حسنی از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند: ﴿أَمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً لِكثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ﴾^{۳۹}؛ خداوند حضرت ابراهیم را به مقام خلت و دوستی خاص خود برگزید، به سبب کثرت صلوات فرستادنش بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل محمد علیهم‌السلام.

نکته: تقریباً در همه ادعیه و زیارات ذکر صلوات قبل یا بعد از آن وارد شده و سنت حسنه‌ای است که در دعا و نیایش‌ها شروع و پایان و آغاز و انجام آنها با ذکر صلوات باشد. در دعای مکارم الاخلاق امام زین‌العابدین علیه‌السلام ذکر صلوات - بدون در نظر گرفتن اوصاف آن - ۱۹ مرتبه و در سراسر صحیفه سجاده ۱۷۷ مرتبه آمده است و بر اساس دو حدیث پایانی، آنچه مهم است، تسلیم و اطاعت از پیامبر و آل پاکش و شریعت حقه محمدیه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است تا انسان در پرتو عمل به شریعت حقه، به کمال، رشد، سعادت واقعی در دنیا و آخرت دست یابد؛ لذا باید که ذکر زبانی با ذکر قلبی و ذکر عملی و عینی قرین و همراه گردد تا مقام خلت ابراهیم و سنخیت و محرمیت سلمانی و ابوذری و معیت اویسی شامل حال شود و انسان از هر گونه ضلالت و زلت و ذلت‌رهایی یافته و در صراط هدایت، عزت و کرامت قرار گیرد؛ زیرا که:

تسبیح و خرقة، لذت مستی نبخشدت
همت در این عمل، طلب از می فروش کن

نتیجه‌گیری

آثار، اسرار و حکمت‌های علمی، عملی، معرفتی، سلوکی، اخلاقی و عرفانی بسیاری بر ذکر صلوات مترتب است که بسیاری از آنها در آموزه‌های حدیثی به صورت پیدا و پنهان بیان شده است و این که ادعیه و نیایش‌ها و مناجات‌ها به چنین ذکر جمیل و نورانی محفوف شده، در حقیقت تضمین اجابت آنها و انس و الفت با مجاری فیض الهی و وسائط عنایات ربوبی در نظام تکوین و تشریح و هندسه معرفت و معنویت است و در این نوشتار ضمن پرداختن به جایگاه و منزلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل پاکش علیهم‌السلام در آفرینش، به موقعیت آنها در جریان استکمال و فعلیت یافتن و رسیدن به نقطه اوج انسانیت اشاره شده است؛ یعنی تکوین و تکامل به وجود آنها گره خورده و اسرار و آثاری بر ذکر صلوات مترتب شده



است که به صورت ذیل جمع‌بندی می‌شود:

۱. ایجاد و وجود عالم و آدم به طفیل انسان کامل و پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عترت طاهره‌اش عَلَيْهِمُ السَّلَام است.
۲. انسان در قوس صعود و مقام عروج و تکامل نفس ناطقه‌اش، مدیون عنایت، هدایت و حمایت انسان کامل مکمل معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است.
۳. سیر و سلوک الی الله فی الله تنها در پرتو ﴿رابطه وجودی﴾ با معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام که فوق رابطه عاطفی، عقلی و عرفانی است، ممکن خواهد بود.
۴. فیض ربوبی تنها از رهگذر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل پاکش عَلَيْهِمُ السَّلَام بر همه موجودات از جمله انسان‌ها می‌رسد؛ لذا ایمان و قرار گرفتن در جاذبه وجودی آنها یک ضرورت است.
۵. راهنما و راهبران یا پیران راه انسان‌های کامل معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند.

اسرار و فلسفه ذکر صلوات

۱. افزایش عشق و محبت؛
۲. سنخیت وجودی؛
۳. الگوپذیری؛
۴. اطاعت‌پذیری؛
۵. گناه‌زدایی؛
۶. نفاق‌ستیزی و نفاق‌زدایی؛
۷. معیت واقعی و حشر حقیقی؛
۸. استجاب دعا؛
۹. بیان و اظهار شرافت و اشرفیت وجودی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل پاکش عَلَيْهِمُ السَّلَام؛
۱۰. طرح و تبیین نظریه قرآن و عترت و نفی تئوری «حبسنا کتاب الله»؛
۱۱. عافیت در دین و دنیا و آخرت.

آثار وجودی ذکر صلوات

۱. عرفان و ایقان به مقام و منزلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل پاکش عَلَيْهِمُ السَّلَام؛
۲. محرم اسرار آل الله شدن؛
۳. تصعید تکاملی و رفعت وجودی؛
۴. طهارت و نزاهت وجودی؛
۵. بیداری بصیرت.

بنابراین تسلیم می‌فروشان و مطیع شیرین‌دهنان و منقاد پیران مغان و خاک پای خضران طریق باشیم که:

سر تسلیم من و خشت در می‌کده‌ها
مدعی گر نکند فهم سخن، گو سر و خشت
گرچه شیرین‌دهنان پادشهانند ولی
عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدا

پی‌نوشت

۱. احزاب، آیه ۵۶.
۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، باب ۲۶، ح ۲۲.
۳. نهج‌البلاغه، ج ۱۴۷.
۴. همان، خ ۴.
۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۴.
۶. همان، ج ۲، ص ۴۶.
۷. آل عمران، آیه ۳۰.
۸. شوری، آیه ۲۳.
۹. عبدالله جوادی آملی.
۱۰. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶.
۱۱. میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاء الله، ترجمه و تعلیق سید احمد قهری، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
۱۲. رخشاد، محمدحسین، در محضر علامه طباطبایی، ص ۱۵۹.
۱۳. احزاب، آیه ۴۳ و ۴۴ و رک: محمدرضا نکونام، صحیفه عشق، ص ۸۰ - ۸۵.
۱۴. در این زمینه رک: امیر مولایی بیگدلی، سلوک صلواتیه به سوی هیکل محمدیه، ص ۱۳۳ - ۱۸۰.
۱۵. رک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۹ - ۳۷۰ و ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۴۵.
۱۶. همان.
۱۷. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۴۷.
۱۸. همان، ج ۱۷، ص ۴۹۳.
۱۹. همان، ج ۹۱، ص ۲۶۲.
۲۰. حسن حسن‌زاده آملی، دروس شرح اشارات و تنبیهات، ج نهم، ص ۱۶۰.
۲۱. رک: حسن ممدوحی، شناخت و شهود، ج ۱، ص ۴۳۱.
۲۲. رک: محی‌الدین ابن عربی، رحمة من الرحمن، ج ۳، ص ۴۰۹ - ۴۱۲.
۲۳. اهل تحقیق و معرفت خوب است به روایاتی در باب سلیمان فارسی و محرمیت او توجه نمایند. رک: ابن تاج‌الدین، تحفة المجالس و ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۱ و الناقب فی المناقب، ص ۴۹۷ و بحارالانوار، ج ۲۲.
۲۴. فاطر، آیه ۱۰.
۲۵. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۱۴.
۲۶. ابراهیم، آیه ۲۴ و ۲۵.
۲۷. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.
۲۸. الاشارات و التنبیهات، ج ۳، نمط هشتم.
۲۹. دروس شرح اشارات و تنبیهات، نمط هشتم، ص ۱۱۰.
۳۰. احزاب، آیه ۳۳.
۳۱. علاء‌الدین علی بن حسام، کنز العمال، حدیث ۴۴۱۵۴.

۳۲. رک: دروس شرح اشارات و تنبيهات، تمط نهم، ص ۲۴۳ - ۲۵۴ و تفسير موضوعی، ج ۱۱، ص ۴۰۱ - ۴۱۴.
۳۳. رک: مرتضى مطهری، مقالات فلسفی، ج ۲، ص ۱۳۱.
۳۴. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۲.
۳۵. تفسير تسنيم، ج ۱، ص ۴۸۷.
۳۶. اعراف، آیه ۲۰۱.
۳۷. ديوان اشعار، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.
۳۸. الحویزی، نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۰۳.
۳۹. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۵۴، ح ۲۸.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن عربی، محی‌الدین، رحمة من الرحمن، ج ۳، جمع و تألیف محمود، محمود غراب، ج اول، ۱۳۸۸، آیت اشراق، قم.
۴. ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابو‌حامد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج اول، ۱۳۷۸، اسماعیلیان، قم.
۵. ملکی تبریزی، میرزا جواد، رساله لقاء الله، ترجمه و تعلیق سید احمد فهری، ۱۳۶۰، نهضت زنان مسلمان، تهران.
۶. الاشارات و التنبيهات، تصحیح و تعلیق کریم فیضی، مطبوعات دینی، قم.
۷. جوادى آملی، عبدالله، تسنيم، ج ۱، ج دوم، ۱۳۷۹، مرکز نشر اسراء، قم.
۸. _____ سرچشمه اندیشه، ج ۵، ج اول، ۱۳۸۳، مرکز نشر اسراء، قم.
۹. _____ تفسير موضوعی قرآن مجید، ج ۱۱، ج سوم، ۱۳۷۹.
۱۰. حسن‌زاده آملی، حسن، دروس شرح اشارات و تنبيهات نمط هشتم، ج اول، ۱۳۸۲، آیت اشراق، قم.
۱۱. _____ دروس شرح اشارات و تنبيهات نمط نهم، ج اول، ۱۳۸۳، مطبوعات دینی، قم.
۱۲. _____ ديوان اشعار، ج اول، ۱۳۶۴، مرکز نشر فرهنگي رجا، تهران.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، تهران.
۱۴. شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، دیوان حافظ.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج اول، ۱۴۰۴ق، قم، منشورات موسسه الاعلمی، بیروت.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۷. رخشاد، محمدحسین، در محضر علامه طباطبایی، ج سوم، ۱۳۸۴، انتشارات سماء قلم، قم.
۱۸. سعادت‌پرور (پهلوانی)، علی، جمال آفتاب، ج ۴، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰، تهران.
۱۹. نکونام، محمدرضا، صحیفه عشق، ج اول، ۱۳۸۴، انتشارات ظهور شفق، قم.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، بیروت.
۲۱. مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، ج ۲، انتشارات حکمت، تهران.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ج بیست‌ویکم، ۱۳۸۲، دارالکتب الاسلامیه، قم.
۲۳. ممدوحی کرمانشاهی، حسن، شناخت و شهود، ج پنجم، ۱۴۰۵ق، موسسه الرساله، بیروت.
۲۴. العروسی الحویزی، عبدالعلی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۴، ج چهارم، ۱۴۱۲ق، اسماعیلیان، قم.